

پیدایش انسان

مترجم: چریک فدائی خلق

رفیق شهید حمید مومنی

(م. بید سرخی)



ر. بید سرخی حمید مومنی

چریکهای فدائی خلق ایران

سایت سیاهکل

www.SIAHKAL.com

پیدایش انسان



چریك فدایی خالق رفیق شهید حمید مؤمنی

۱۳۲۱ - ۱۳۵۲

پیدایش انسان

حمید مؤمنی (م. یید سرخی)

چریک فدایی خلق، رفیق شهید حمید مؤمنی (م-بید سرخی)^۱

حمید مؤمنی (م-بید سرخی) نامیست آشنا برای تمام خلقهای ایران، پژوهش گران علم تاریخ، فلسفه و اقتصاد. رفیق حمید مؤمنی نویسنده‌ای توانا و خلاق آثار علمی و مبارزی سترگ در اواسط اردیبهشت ۱۳۲۱ در محله فقیر نشین «پای قلعه» در شهر نساوند متولد شد. زادگاه رفیق مانند اکثر شهرهای کوچک و روستای ایران، فاقد وسایل بهداشتی و آموزشی بود.

موقعیت رفیق بعنوان نخستین فرزند خانواده سبب شد که خانواده‌اش او را بمدرسه بفرستند. رفیق در طول سالهای تحصیلی‌اش از ممتازترین شاگردان مدرسه بود. در سن دوازده سالگی رفیق باقتضای جوسیاسی حاکم در جامعه، به انتقاد از اطرافش پرداخت و انشاء خود را به مقاله‌ای در انتقاد از حکومت کودتا درمورد قندوشکر تبدیل کرد و همین مطلب باعث آشنایی او با شهربانی و پلیس شد.

رفیق از همان سالهای اول دبیرستان علاوه بر آموزش کتب درسی به مطالعه آثار علمی پرداخت. رفیق در سال ۱۳۳۷

۱- (بید سرخی) نام روستایی است در نزدیکی نساوند. گزینش این نام نشان دهنده عشق خاص حمید به زادگاهش میباشد.

بعنوان شاگرد ممتاز استان کرمانشاهان به اردوی رامسر رفت. در این سفر از نزدیک محیط زندگی مردم شهرهای، بزرگ را دید. از همین جا بود که افق بازتری در زندگیش گشوده شد و تمایل به زندگی در شهر کوچک نهاوند را از دست داد. از طرف دیگر وضع بد مالی خانواده و ورشکستگی پدر او را مجبور به کار کردن نمود. از این رو به دانشسرای مقدماتی بروجرد رفت تا با شغل معلمی زندگی خانواده خود را اداره نماید. مرحله تازه زندگی حمید همراه با ترک زادگاهش آغاز شد. رفیق به اغلب شهرهای ایران مسافرت کرد و از نزدیک با زندگی طبقات مختلف مردم آشنا شد و با مشاهده اختلافی که در نحوه زندگی مردم می دید، شدیداً رنج می برد و این احساس با مطالعات اجتماعی او آمیخته و پی به علل اختلافات طبقاتی میبرد. «عوامل اجتماعی است که در ساختن شخصیت فرد نقش تعیین کننده دارد»^۱

رفیق حمید در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده اقتصاد شد و مدتی قبل از آن زبان روسی را بخوبی فرا گرفته بود. رفیق در سالهای قبل از دانشکده به آموزش فلسفه و تاریخ پرداخت و در رابطه با محافل روشنفکری دانشجویی عقاید ایده آلیستی را کنار گذاشته و به نتایج آته آلیستی رسیده بود. سیر طبیعی این حرکت به آموزش دیالکتیک می رسید. رفیق پس از فراگیری متون علمی مارکسیستی لنینیستی سعی می کرد که آنچه آموخته است برای دیگران در قالب بسیار ساده بیان

کند. نوشته‌های علمی وساده رفیق‌گویای درك و بینش عمیق و تعهد انقلابی او برای گسترش این جهان‌بینی بود. (م-بید سرخی) نام مستعاری بود که حمید برای نوشته‌های خود انتخاب کرده بود. جزوات تاریخ، فلسفه و جامعه‌شناسی رفیق که به زبان بسیار ساده تنظیم شده بود، در دوران دیکتاتوری محمد رضا شاهی بهترین راهگشا برای پویندگان راه‌مار کسب‌سبب لنینیسم رفیق بود. رفیق حمید با شور و علاقه انقلابی این کار را دنبال می‌کرد و هر چه می‌آموخت بکار می‌یست و برای خلق بازگو می‌کرد. او درمی‌یابد که «علم تاریخ داستان تکامل جامعه است و جامعه عالیترین پدیده طبیعت است و سیر تکاملی جامعه، عالیترین شکل حرکت ماده است»^۱

نقش مقالات و علمی ساده‌گوی رفیق در دوران اختناق بر هیچکس پوشیده نیست. حمید به این ضرورت که بالا رفتن سطح آگاهی خلقها خود به درهم‌کوبی و متلاشی شدن نظام کنونی میانجامد، پی‌برده و در تمام آثارش این شیفتگی آموزش انقلابی مشاهده می‌شود. او می‌گوید: هر کس در هر شغلی و تخصصی باید کمابیش از علم تاریخ چیزی بداند^۲، او در باره تاریخ می‌گوید «دیگر تاریخ بعنوان علم تلقی میشود و هر يك از وقایع تاریخی باروش علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد»^۳ و رفیق حمید با درك و بینش عمیق خود در باره حرکت جامعه می‌گوید «در خلاف جهت سیر کلی حرکت جامعه

۱- تاریخ جامعه

۲- تاریخ جامعه

۳- سرسخن مترجم دولت نادرشاه

هیچ شخصیتی و بطور کلی هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند بوجود
آید.^۱

رفیق در سالهای دانشجویی خود با محافل دانشجویی
آشنا میشود. گرچه سیاستهای ارتجاعی و فاشیستی رژیم
شاه سعی می‌کرد که مانع هرگونه حرکت آزادیخواهی و مرفقی
میشد ولی دانشجویان در طی حرکات صنفی به تشکیل صفوف
مبارزاتی خود علیه رژیم کودتا دست می‌زدند. رفیق حمید نیز در
زمره همین دانشجویان بود و در تظاهرات و مبارزات دانشجویی
شرکت فعال داشت و در ادامه فعالیت‌های مبارزاتی‌اش به
سازمان چریک‌های فدایی خلق پیوست. رفیق در حرکت
سازمان نقش بسیار برجسته داشت. سرانجام رفیق حمید مؤمنی
در بهمن‌ماه سال ۵۴ در یک برخورد نابرابر با مزدوران رژیم
کودتا از پای درآمد.

یادش گرامی باد



پیدایش انسان

سرسخن مترجم

این کتاب ترجمه‌ی دیافیلمی است که پروفیسور نستورخ ، انسان‌شناس بزرگ شوروی، برای دانش‌آموزان تهیه کرده .

دیافیلم نوعی از فیلم بدون صداست که دارای زیرنویس است و عکس‌های آن در روی پرده ثابت می‌مانند. در کشورهای پیشرفته، در تمام مراحل آموزشی ، از کودکان گرفته تا دانشگاه، از دیافیلم وسیعاً استفاده می‌کنند . دیافیلم بیشتر به عنوان «کمک درس» ، برای بچه‌ها نمایش داده می‌شود. موضوع دیافیلم معمولاً یا قصه و داستان است و یا مطالب علمی و هنری . دیافیلم‌های علمی در بالابردن سطح آگاهی و توسعه‌ی شناخت علمی دانش‌آموزان و دانشجویان کمک‌زبانی می‌کنند، ولی چون در بیشتر مدارس کشور ما وسایل استفاده از آن وجود ندارد ، درست‌تر آن است که دیافیلم به صورت کتاب مصور درآید، تا تعداد بیشتری از کودکان بتوانند از آن استفاده کنند.

البته این کار مشکلاتی دارد ، مثلاً چون تمام ارزش دیافیلیم در واضح بودن و زیابودن عکسهای آن است ، بنابراین باید روی کاغذ خوب چاپ شود و در نتیجه کتاب گران تمام می شود ، ولی هر قدر هم گران تر از کتاب های معمولی باشد، باز بهتر و ارزان تر از خود دیافیلیم است و دستیابی به آن برای کودکان آسانتر خواهد بود .

دیافیلیم «پیدایش انسان» از تعدادی عکس مستند و تعدادی تصویر خیالی تشکیل شده که ما تمام عکس ها و تصاویرهای آن را در این کتاب چاپ می کنیم و زیر نویس آن را هم ترجمه می کنیم و در زیر عکس ها می آوریم .

چنانکه گفتیم ، مطالب این کتاب را پروفیسور نستورخ برای دانش آموزان تهیه کرده، بدین جهت سعی بسیار کرده که بیانش ساده و درخور فهم نوجوانان باشد؛ ولی سادگی بیان او، بهیچ وجه با ارزندگی مطالب کتاب مغایرت ندارد . محتوای کتاب مجموعه ای از مدارك ارزنده علمی است که هم می تواند برای نوجوانان آموزنده باشد و هم می تواند مورد استفاده ی بزرگسالان واقع شود.

به هر حال ، گویا این کار ، اولین تجربه ای است که در زمینه ی تبدیل دیافیلیم به کتاب انجام می گیرد، چنانچه از آن استقبال شود می تواند ادامه پیدا کند.



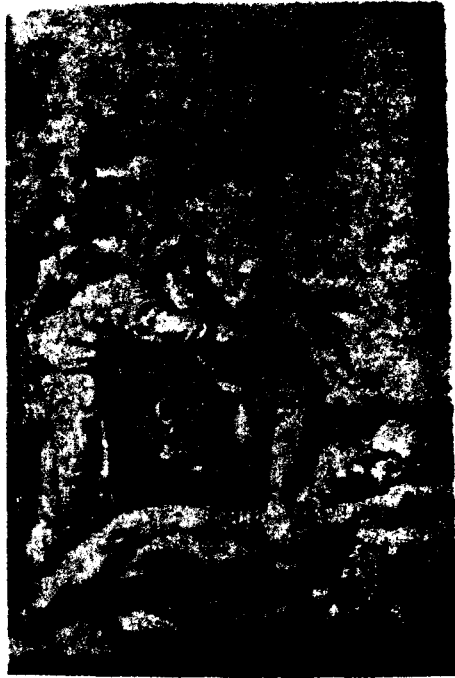
اینکه انسان در روی زمین چگونه به وجود آمده،
پرسی قدیمی است که علم و مذهب پاسخ‌های متفاوتی به آن داده‌اند .
علم، افسانه‌هایی را که درباره‌ی معجزه‌ی «آفرینش اولین انسان»
وجود دارد، رد می‌کند .
یکی از افسانه‌های باستانی مصر
می‌گوید که ، در آغاز، خدای «خنوم» ، به وسیله‌ی
چرخ کوزه‌گری، از گل مرد وزنی ساخت .

البته این کار مشکلاتی دارد ، مثلاً چون تمام ارزش دیافیلیم در واضح بودن و زیبا بودن عکسهای آن است ، بنابراین باید روی کاغذ خوب چاپ شود و در نتیجه کتاب گران تمام می شود ، ولی هر قدر هم گران تر از کتاب های معمولی باشد ، باز بهتر و ارزان تر از خود دیافیلیم است و دستیابی به آن برای کودکان آسانتر خواهد بود .

دیافیلیم «پیدایش انسان» از تعدادی عکس مستند و تعدادی تصویر خیالی تشکیل شده که ما تمام عکس ها و تصویرهای آن را در این کتاب چاپ می کنیم و زیر نویس آن را هم ترجمه می کنیم و در زیر عکس ها می آوریم .

چنانکه گفتیم ، مطالب این کتاب را پروفیسور نستورخ برای دانش آموزان تهیه کرده ، بدین جهت سعی بسیار کرده که بیانش ساده و درخور فهم نوجوانان باشد ؛ ولی سادگی بیان او ، بهیچ وجه با ارزندگی مطالب کتاب مغایرت ندارد . محتوای کتاب مجموعه ای از مدارك ارزنده ی علمی است که هم می تواند برای نوجوانان آموزنده باشد و هم می تواند مورد استفاده ی بزرگسالان واقع شود .

به هر حال ، گویا این کار ، اولین تجربه ای است که در زمینه ی تبدیل دیافیلیم به کتاب انجام می گیرد ، چنانچه از آن استقبال شود می تواند ادامه پیدا کند .



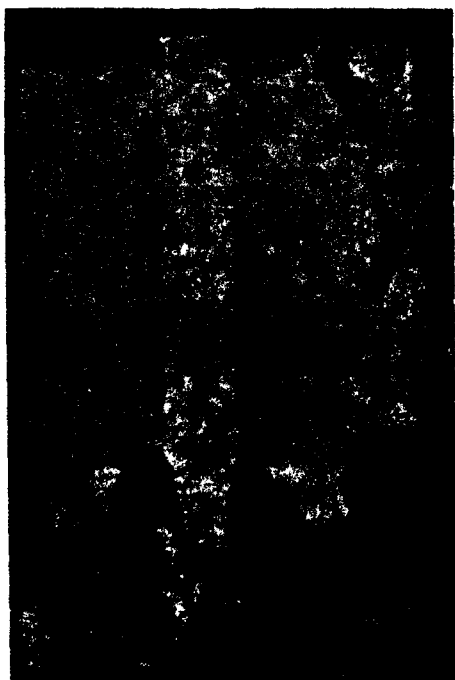
در کتاب مقدس
افسانه‌ای در مورد آفرینش اولین
مرد (آدم) از گل و اولین زن (حوا) از
دنده‌ی آدم وجود دارد.

طرفداران مذهب ،
خیال می کنند که جهان فعلی
درست همان جهانی است که پروردگار از روز اول ساخته و
از آن هنگام تاکنون ،
چه طبیعت و چه انسان، هیچ تغییری نکرده اند .
این گونه نظریات، با نظریات علمی درمورد جهان و جامعه‌ی انسانی ،
به کلی مخالف است.



کلیسا، همیشه
کسانی را که در درستی نظریات کتاب مقدس
درمورد آفرینش انسان،
شک کرده‌اند، مورد پی‌گرد قرار داده .
مثلاً،

«میگل سروت» (Migel Servet) ، (۱۵۵۳-۱۵۰۹ میلادی) دانشمند،
طبيب و طبيعى دان معروف را به خاطر عقايد علمى اش،
به دستور کلیسا، درژنو آتش زدند.



آندره وزالی (Andre Vezali)، (۱۵۶۴-۱۵۱۴ میلادی)،
پزشک معروف که پایه‌گذار کالبدشناسی (آناتومی) علمی انسان است،
به خاطر آثار علمی‌اش،
تحت پیگرد کلیسای کاتولیک قرار گرفت و
محکوم به مرگ شد.

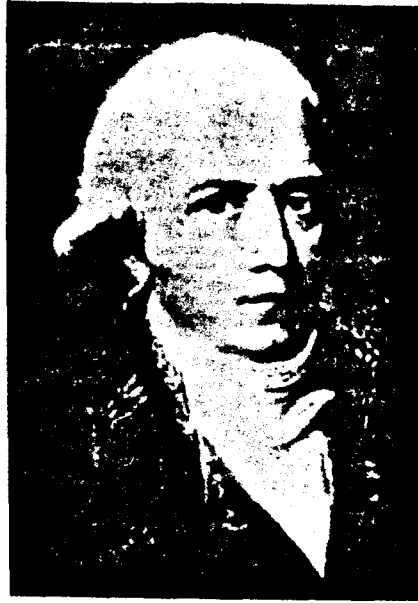


اسکلت يك حيوان كندرو زمینی استخوان ران یکی از حیوانات غول پیکر
(آمریکای شمالی) خزنده (آمریکای شمالی)

دلایل و مدارکی که درستی نظریه‌های علمی را
درمورد پیدایش انسان اثبات می‌کرد ،
پی‌درپی افزایش یافت .
مردم در زمان‌های پیش مرتباً در میان لایه‌های دیرین زمین ،
اسکلت‌ها و استخوانهای فراوانی پیدا کردند .
آنها این استخوان‌ها را بقایای انسان‌های غول پیکر می‌پنداشتند و
هنوز دانشمندان اثبات نکرده بودند که این استخوانها مربوط
به جانورانی است که نسل آنها به کلی از بین رفته .



در دو قرن گذشته ،
متفکرین بزرگ بشر به این نتیجه رسیدند که حیوانات معاصر ، تکامل یافته‌ی
حیوانات پیشین هستند .
م . ب . لومونوسف (۱۷۶۵ - ۱۷۱۱)
دانشمند بزرگ روس نیز
چنین عقیده‌ای داشت .



فرضیه‌ی هوشمندانه‌ی لومونوسوف،
در آثار دانشمندان دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفت.
در ابتدای قرن ۱۹،
نظریه‌ی تکامل جهان حیوانی به طور موفقیت آمیزی مورد مطالعه‌ی
ژان باتیست لامارک (۱۸۲۹-۱۷۴۴ میلادی)،
زیست‌شناس فرانسوی قرار گرفت.
او گوشزد کرد که
محیط طبیعی اهمیت بسیار زیادی در تکامل تدریجی موجود زنده دارد



بنیانگذار نظریه‌ی تکامل در زیست‌شناسی و سایر رشته‌های علوم طبیعی،
دانشمندی انگلیسی، به نام
چارلز داروین (۱۸۸۲-۱۸۰۹)، بود .
او عامل‌های اصلی تکامل جانداران ورستی‌ها ،
مانند انتخاب طبیعی، ناپایداری و
وراثت را که در تأثیرات محیط طبیعی اثر متقابل دارند،
کشف کرد. داروین ثابت نمود که
پیدایش انسان معجزه نیست، بلکه حادثه‌ای طبیعی است .

چارلز داروین

پیدایش انسان و انتخاب طبیعی

ابراز احسانات در
انسان و حیوانات

کتاب داروین

چارلز داروین برای اولین بار ،
بر مبنای واقعیات بیشمار علمی ،
دلایل انکارناپذیری در مورد پدید آمدن انسان از جهان حیوانات ،
بدست داد و
ثابت نمود که نزدیکترین نیای انسان يك نوع
میمون آدم نماى بسیار تكامل یافته ی قدیمی
است که دارای دو پا می باشد.



داروین در به وجود آوردن نظریات خود در مورد منشاء طبیعی انسان ،
بیشتر بر آثار زیست شناسان پیشرو او اواسط قرن ۱۹ ،
مانند ت. هاکسلی ، جانور شناس انگلیسی و
هک رکل ، دبیرین شناس آلمانی ،
تکیه می کرد .
بعدها هر دوی آن ها ،
هوادر پرشور نظریه ی داروین در مورد تکامل جهان ارگانیک (زنده) ،
شدند .



نظریه‌ی داروین در میان
دانشمندان متمدنی روسیه نیز با هواداری شدید مواجه شد.
و. کووالفسکی ، دیرین شناس و
گ. تمیریازف ، گیاه شناس روسی ،
در به وجود آوردن نظریه‌ی
« تکامل زندگی در روی زمین »
سهم زیادی داشتند .



مدری گپ پوس

اسب وحشی پرژه والسکی

در جریان تکامل نوعی جانداران ،
 اشکال جدیدی از حیوانات پیدا شدند که
 با اجداد خود فرق داشتند.
 و. کووالفسکی ،
 این موضوع را به طور قانع کننده ای ،
 از روی نمونه ی اسب ،
 نشان داده .



۱- ماهی ها

۲- دوزیستی ها



۳- خزندگان

۴- ابتدائی ترین پستانداران

« طرحی از تکامل مهره داران ،
از ماهی تا انسان »
قسمت اول :
از ماهی تا خزندگان



۶- میمون‌ها

۵- نیمه میمون‌ها



۸- انسان کنونی

۷- انسان گذشته‌ها

بقیہ

«طرحی از تکامل مهره‌داران،

از ماهی تا انسان»

قسمت دوم :

از نیمه میمون‌ها تا انسان کنونی.



آ. کووالفسکی
(۱۸۴۰ - ۱۹۰۱)

ای. میچ نیکوف
(۱۸۴۵ - ۱۹۱۶)

در جریان تکامل جنین هر يك از حيوانات ،
مراحل تکاملی اجداد دور دشتشان منعكس میشود.
اطلاعات بسیار زیادی که
علم جنین شناسی به دست می دهد،
گواه این مطلب است.
بنیان گذاران علم جنین شناسی ،
آ. کووالفسکی و ای. میچ نیکوف ،
دو تن از دانشمندان زیست شناس روسیه بودند.

جنین‌های

کوسه‌ماهی

سمندر

لاک‌پشت

مرغ



خوک

گاو

خرگوش‌خانگی

انسان

در جنین اکثر حیوانات مهره‌دار و انسان ،

دستگاهها و قوس‌های تنفس آبی (برانشی) به وجود می آید .

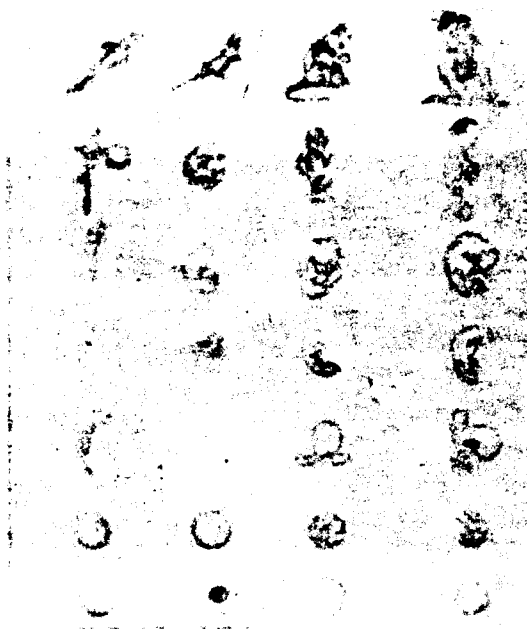
منتها ،

بعداً این دستگاهها یا رشد می‌کنند و یا به اعضای دیگری تبدیل می‌شوند.

این موضوع دلیل آن است که

منشاء حیوانات مهره‌دار زمینی و انسان از حیوانات ماهیگونه‌ی قدیمی

است که در آب زندگی می‌کرده‌اند.



جنین‌های انسان میمون سوسمار ماهی

در ابتدایی‌ترین مراحل تکامل جنینی،
شباهت بین انسان و حیوانات مهره‌دار،
بی‌اندازه زیاد است.

سپس، در مراحل بعدی، به تدریج،
شباهت کم می‌شود و اختلاف بین آنها افزایش می‌یابد.
در سنین بلوغ، اختلاف بین ساختمان بدنی انسان و ساختمان بدنی سایر
مهره‌داران به حداکثر خود می‌رسد. با این حال، آنها ساختمان عمومی و
شباهت‌های کلی خود را، تا آخر،
هم‌چنان حفظ می‌کنند. (لازم به یادآوری است که
جنین انسان بیشتر از سایر جنین‌ها به جنین میمون شباهت دارد.)



گوریل

شمپانزه

انسان

تکامل جنینی شمشپانزه ۸ $\frac{1}{4}$ ماه طول می کشد،
در صورتی که تکامل جنینی گوریل و اوران اوتان نزدیک ۹ ماه.
شمپانزه برای اولین بار در سال ۱۹۱۵ ،
در اسارت انسان متولد شد و
گوریل در سال ۱۹۵۵ .
جنین گوریل ، شمشپانزه و اورانگ اوتان
بیش از همه ی جنین ها به جنین انسان شبیه اند.



صورت جنین شش ماهه‌ی انسان

در جنین انسان،

موهای جنینی، در ماه سوم،

ابتدا در صورت شروع به روئیدن می‌کند.

پس از آن موها در جاهای مختلف بدن، دسته دسته، شروع به روئیدن

می‌نماید و در شش ماهگی سرتا پای جنین را می‌پوشاند.

در نزدیکی‌های تولد، تمام موها می‌ریزند و

فقط موهای سرتا قی می‌مانند.

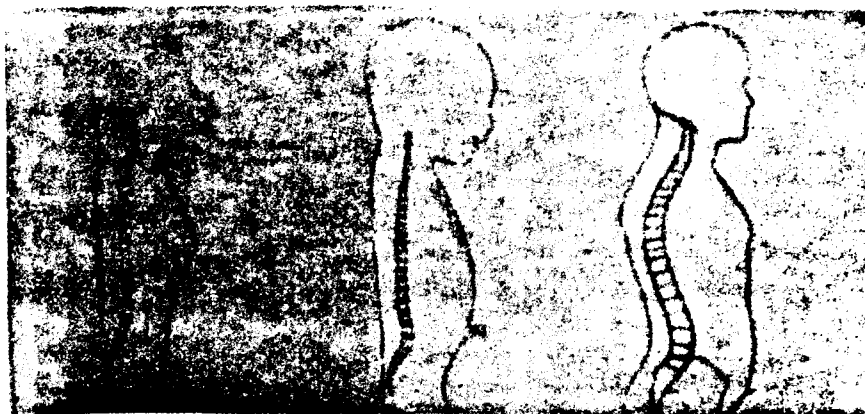
چنین جریانی در میمونهای انسان نما نیز اتفاق می‌افتد.



گاهی ،

اتفاق می افتد که پوشش موئی جنین باقی می ماند و رشد نیز می کند.
ظهور علایم اجداد خیلی دور حیوانی در انسان،
«آتاویزم»^۱ یعنی بازگشت به وضع دیرین نامیده می شود.

(۱) این کلمه را در زبان فارسی ، «آبایی» ترجمه کرده اند - مترجم.



مهره‌های پشت‌شما پانزده
بزرگسال

مهره‌های پشت انسان
نوزاد

مهره‌های پشت انسان
بزرگسال

در نتیجه‌ی حرکت مستقیم ،
ستون مهره‌های پشت انسان خیلی بیشتر از ستون فقرات ششپانزده خم می‌شود.
از نظر ستون مهره‌ها ،
نوزاد انسان خیلی بیشتر به میمون شباهت دارد.
استخوان دنبالچه‌ی انسان در حقیقت همان دم یا قسمت پائین ستون فقرات
میمون است.



دمدار به دنیا آمدن، در انسان،
امری بسیار بسیار نادر است،
اینگونه مهره‌های استخوانی غیر عادی، تاکنون
فقط سه بار در انسان مشاهده شده.
این نمونه‌های نادر،
نشانه‌ی بازگشت به یکی از اجداد دمدارانسان،
یعنی میمون‌های قدیمی است.



دست‌های نوزاد انسان

دارای قدرت «گرفتن» خاصی است که

نوزاد را قادر می‌سازد ۱ تا ۲ دقیقه به آرامی

به شاخه‌ای آویزان باشد.

چنین قدرتی را او بدون شك از میمونهای قدیمی به ارث برده.

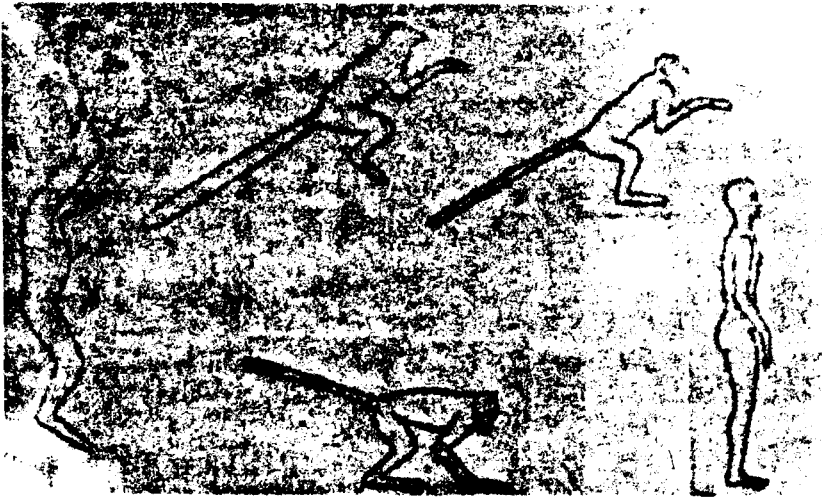
عضوهای رشد نیافته (ماهیچه‌ی گوش، آپاندیس و دنبالچه) نیز

مسأله‌ی پیدایش انسان را از جهان حیوانی،

تأیید می‌کند.

له‌سور

عنتر



کیب بون

پاویان

انسان

بیشتر میمون‌ها ونیمه میمون‌ها
نوع ویژه‌ای از حیوانات چارپاهستند.
مثلا

میمون‌های انسان‌نما با کمک دست از شاخه‌ای به شاخه‌ی دیگر می‌پرند و
بدن آنها نیز در حالت عمودی قرار دارد.



شمپانزه

گیپ بون

شمپانزه، گوریل و اوران اوتان معمولا
 با چهار دست و پای خود در روی زمین حرکت می کنند ،
 اما

گیپ بون که دست های بسیار درازی دارد،
 روی دو پا راه می رود و می دود.



گوریل، از این نظر فوق العاده جالب توجه است که
حجم مغز سرش نزدیک ۷۵۰ سانتیمتر مکعب است.
گوریل در بکار بردن اشیاء برای انجام کاری معین،
تیزهوشی و مهارت زیادی از خود نشان می دهد.
در این عکس :
یک گوریل دارد با ترکه غذا را از داخل لوله بیرون می آورد
(آزمایش فیزیولوگ ر . یرکس).



آکادمیسین ای . پ . پاولوف (۱۸۴۹-۱۹۳۶)

نظریات ای.پ.پ. پاولوف، فیزیولوگ روس،
درمورد «بازتاب‌های شرطی»،
بر مبنای شناخت فعالیت عالی عصبی انسان و حیوانات بنا شده .
این نظریات سبب می‌شود که
رفتار و روحیات حیوانات عالی و انسان بهتر فهمیده شود .



زیست‌شناسان و پزشکان آزمایش‌های زیادی روی شمپانزه انجام داده‌اند.
آزمایش زیر در آزمایشگاه پاولوف انجام گرفت :
سیب را پشت قطرات مشتعل الکل قرار دادند ،
ولی میمون مسأله‌ی پیش آمده را حل کرد،
یعنی آتش را با آب خاموش نمود و میوه را به دست آورد.

پاویان

میمون کوآت



انسان

اوران اوتان

کیپ بون

میزان فعالیت‌های عالی عصبی

تا حدود زیادی به بزرگی منخ بستگی دارد.

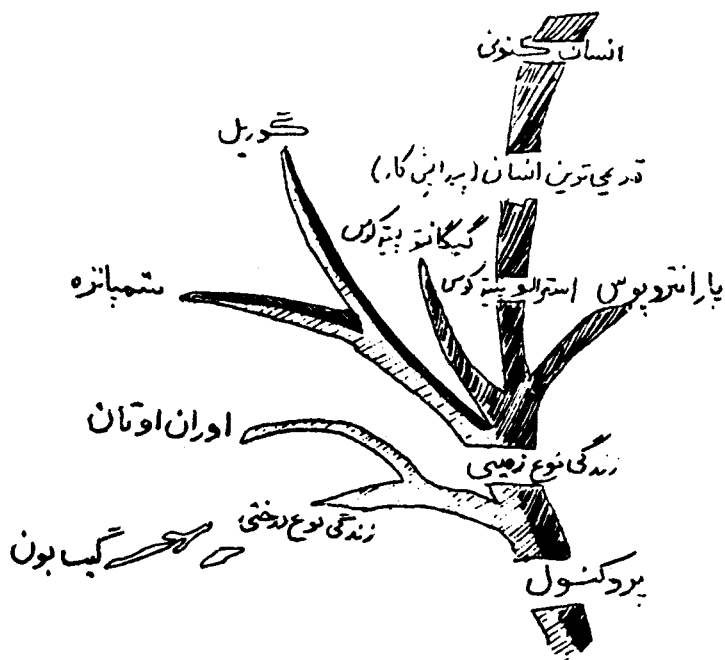
از این نظر،

انسان از تمام حیوانات و از جمله میمون‌ها برتر است .

منخ انسان،

دست کم ،

دو تا سه بار بزرگ‌تر از منخ حیواناتی مانند اوران اوتان است .



سیر تکاملی میمون های عالی و انسان (از و . پ . یالیموف)

انسان ،

نزدیک يك ميليون سال قبل ،

از گروه میمون های آدم نمای بسیار تکامل یافته ی زمینی بوجود آمد.

شکل ظاهری انواع انسان را می توان از روی استخوان هایی که در آفریقا ،

اروپا و آسیا پیدا شده ، دریافت .



استرالوپیته کوس (تصویری از
مجسمه‌ای که از روی استخوان
ساخته شده)

جمع‌های بچه‌ی
استرالوپیته کوس

چهره‌ی استرالوپیته کوس
(تصویری از مجسمه‌ای که از روی
استخوان‌ها ساخته شده)

جمع‌های يك بچه میمون قدیمی دوبا
که در آفریقای جنوبی پیدا شد،
مورد توجه بسیار زیاد دانشمندان قرار گرفت .
ایسن میمون، «استرالوپیته کوس» نامیده شد.
انسان ،
از تکامل یافته‌ترین نوع چنین میمونی به وجود آمده.



نزدیک‌ترین نیای انسان،
سنگ و چوب را برای دفاع از خود
در مقابل درندگان بکار گرفت.
این موضوع
به او کمک کرد که در مبارزه برای باقی ماندن پیروز شود.



استرالوپتھ کوس
حیوانات را شکار می کرد و
ریشه های خوردنی را از زمین بیرون می کشید.
این میمون در دشت های بازی (بی درخت) زندگی می کرد،
که در آنجا ،
خوراك بسیار کم پیدا می شد.

برخی از دانشمندان
درباره‌ی اهمیت نقش کار، سخنگویی و جامعه ،
در جریان تبدیل میمون به انسان ،
نظریاتی دارند .
به گفته‌ی یکی از آنها :
انسان «حیوان ابزارساز است» .
دانشمند دیگری می گوید :
«کار، با ساختن ابزار آغاز گردید.»



دست شمپانزه ،
برای بالارفتن از درخت ،
متناسب و سازگار شده ،
در صورتی که دست انسان ،
چون دیگر هنگام حرکت و جا به جا شدن از آن استفاده نمی شد ،
در عرض میلیون ها سال ،
به «آلت کار و نیز محصول کار» تبدیل گردید.



گوریل

انسان دیرین

انسان کنونی

میمونهای دوپا، که نیاکان انسان به شمار می آیند، نیز،
مانند میمونهای آدم نمای کنونی،
هنگام راست راه رفتن نمی توانستند تعادل خود را حفظ کنند.
اما هنگامی که انسان تکامل یافت و به اصطلاح شکل انسان به خود گرفت،
در نتیجه ی کار، راه رفتن او نیز تکامل پیدا کرد .
انسان کنونی در اثر خمیدگی های شدیدی که در ستون مهره های پشتش
وجود دارد، به خوبی روی دوپایش راه می رود.



کاسه‌ی سر و استخوان ران
پیته کانتر و هوس

پیته کانتر و هوس (تصویری از مجسمه‌ای که، بوسیله‌ی و. آ. واتاگین از روی استخوان‌های پیته کانتر و هوس ساخته شده و در موزه‌ی انسان‌شناسی مسکو است)

برای اولین بار

استخوان‌های باستانی‌ترین انسان (پیته کانتر و هوس) در سال ۹۲-۱۸۹۱

به وسیله‌ی «اژن دیوباه»، دانشمند هلندی،

در جزیره‌ی جاوه، پیدا شد.

حجم مخ پیته کانتر و هوس،

۹۰۰ سانتی‌متر مکعب بود و

شکل استخوانش گواه این بود که

او روی دو پا راه می‌رفته.



پینه کانتروپوس
نزدیک يك ميليون سال قبل ،
در آغاز دوران چهارم،
یعنی «دوران نو» یا «دوران کاتیازوی» زمین
پیدا شد .

پینه کانتروپوس ها
به طور دسته جمعی ابزارهای بسیار ساده ای از سنگ می ساختند.
احتمالاً از ابزارهای چوبی هم استفاده می کرده اند.



جمجمه‌ی سینانثروپوس (تصویری از مجسمه‌ای
که به وسیله‌ی ف. ویسدون ریخ، از روی
استخوان جمجمه‌ی سینانثروپوس، ساخته شده

سینانثروپوس (تصویری از مجسمه‌ای
که به وسیله‌ی م. گراسیموف، از روی
استخوان سینانثروپوس، ساخته شده)

کشف استخوان‌های انسان دیرین «سینانثروپوس»
دارای اهمیت بسیار زیادی بود.

این استخوان‌ها در سال ۱۹۲۹

در غاری، در روستای «جرئو کونودیان»،

در ۵۰ کیلومتری شهر پکن، پیدا شد.

این نوع از انسان‌های دیرین

نسبت به پیتھکانثروپوس‌ها تکامل یافته‌تر بودند.



ابزار های ابتدائی دوره ی پارینه سنگی (پالتولیت) ^۱

درغار محل زندگی سینانتروپوس ها ،
ابزارهای ابتدایی زیادی پیدا شد که از سنگ های همانجا و یا از سنگ های
کوارتز (در کوهی) که از جای دیگر بدانجا برده بودند، ساخته شده بود.

● دوران سنگ ، اولین دوران ابزار سازی انسان بوده است. این دوران
خود به سه دوره تقسیم می شود : (۱) دوره ی پارینه سنگی (پالتولیت)
(۲) دوره ی میانه سنگی (مزولیت) . (۳) دوره ی نوسنگی (نئولیت). دوره ی
پارینه ی سنگی نیز خود به چهار دوره تقسیم می شود : الف - سپیده دم دوران
سنگ. ب - پارینه سنگی نخستین . پ - پارینه سنگی میانه . ت - پارینه
سنگی جدید.

مترجم



سینانتر و پوس‌ها
به صورت گله زندگی می‌کردند و ابزارهای سنگی و استخوانی را به‌طور
دسته‌جمعی می‌ساختند.

آنها

با کمک این ابزارها حیوانات را شکار می‌کردند.
گوشت را نیز روی آتشی که خودشان می‌توانستند روشن کنند و
نیز نگهداری نمایند ، کباب می‌کردند .



انسان ثاندرتال: تصویری که از
روی استخوان او ساخته شده ،
ازن. سنیل کوفوم . نستورخ ،
نقاش: س.آ.ب. بولفسکی

در جریان کار اجتماعی و با تکامل سخنگویی،
مخ نیاکان ما بزرگ و تکمیل شد.

انسان دیرین

در حالی که خصلت‌های میمونی خود را از دست می‌داد،
هرچه بیشتر، علایم انسانی به دست می‌آورد.
در نتیجه ،

بدانسان باستانی، که «ثاندرتال» نامیده می‌شود، تبدیل شد (درغاری
دردره‌های ثاندرتال، استخوان‌های آن پیدا شده).



تيردمتی

ابزار را بدین صورت می ساختند

در اروپا، آفریقا و آسیا

جمعیه و استخوانهای بسیاری از انسان نئاندرتال، همراه با تعدادی ابزار سنگی، بدست آمده.

پس از پیدا شدن این اشیا در «له موسیه» (فرانسه) ،

تمدن انسان باستانی ، موس تیری نامیده شد.

برای دوران موسیه

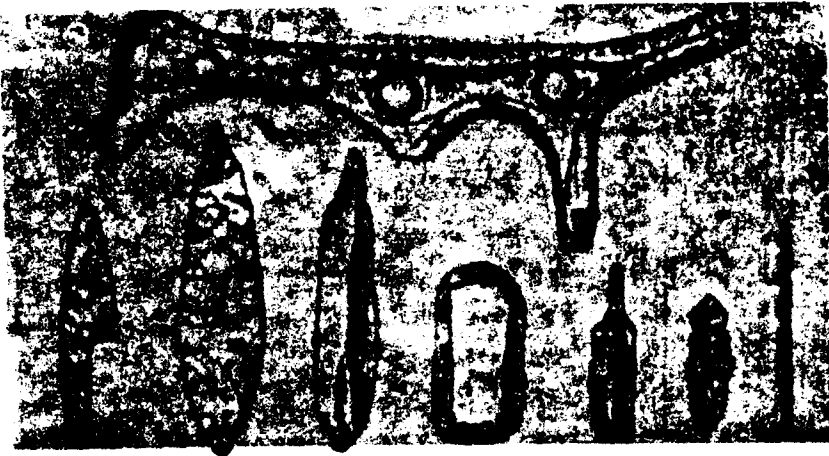
سه نوع ابزار پیدا شده (به جای يك نوع ابزار انسان دیرین).



گله‌ی ابتدایی انسان نئاندرتال نیز
مانند گله‌ی ابتدایی انسان دیرین،
در حقیقت عبارت از دسته‌ای شکارچی بود.
مردها قطعه‌های گوشت و یا تنه‌های حیوانات را به‌خانه می‌بردند.
دردوره‌ی یخبندان،
غار محل سکونت انسان نئاندرتال بود.



نوع جدید انسان ،
یعنی «انسان اندیشه ورز» ،
نزدیک ۵۰ هزار سال پیش شکل گرفت.
از آن زمان تا کنون ،
انسان تقریباً تغییری نکرده.
قوس‌های بالای چشم و برجستگی چانه ،
و جوه مشترك تمام جمجمه‌های انسان پیشین و انسان کنونی است.



سوزن سوزن تراش سوراخ کن تراشنده برنده سرنیزه
استخوانی

انواع ابزارهای انسان در دوران نوسنگی بسیار گوناگون است .
ابزار و جنگ افزار (اسلحه) های سنگی ، استخوانی و چوبی گواه آن
است که سطح تولید و فرهنگ در این دوران بالا رفته و انسان بر عضو
سخنگویی خود (زبان) مسلط شده.*

* انسان ، هنگامی که ابزارهای گوناگون را خلق کرد ، چون می‌خواست
این ابزارها را ، به‌طور دسته جمعی ، به‌کار ببرد ، ناچار مجبور بود هنگام
به‌کار بردن آن‌ها از جملات و کلمات گوناگونی استفاده کند ، در نتیجه ابتدا
جمله و سپس کلمه به‌وجود آمد و انسان بر زبان خود مسلط شد. مترجم.



انسان دیرین
(بیته کانتر ووس)

انسان باستانی
(نشاندرتال)

انسان کنونی
(کرومانیون)

در جریان شکل گیری انسان ،
می توان دو مرحله از تکامل او را از هم مجزا کرد:
مرحله اول ،
پیدایش انسان های دیرین و مرحله دوم ،
پیدایش انسان های باستانی با فرهنگ پارینه سنگی.
به طور کلی ،
در سایه کار ، جسم انسان تغییر پیدا کرد و در نتیجه ،
نوع نیکو شده کنونی ، یعنی «انسان اندیشه ورز» به وجود آمد.

«حتماً صدها هزار سال طول کشیده تا
جامعه‌ی بشری از گله‌ی میمون‌های درخت‌زی به وجود آید.
البته این صدها هزار سال نسبت به تاریخ کره‌ی زمین ،
حتی به اندازه‌ی يك ثانيه از عمر يك آدم هم اهمیت ندارد.
به هر حال ، جامعه‌ی بشری به وجود آمد ، اما باید دید که
ویژگی اساسی جامعه‌ی بشری که آنرا از گله‌ی میمون‌ها جدای سازد، چیست؟
این ویژگی «کار» است.»

نقل از کتابی درباره‌ی طبیعت



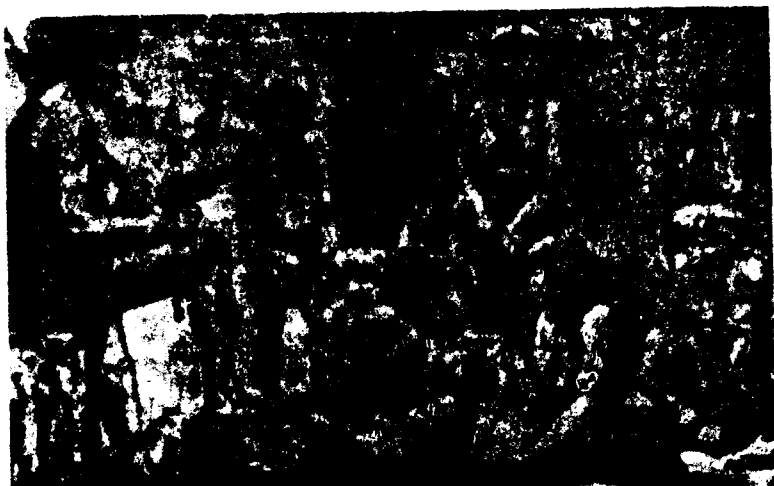
انسان دردوره‌ی پارینه سنگی
سرمای عصر یخبندان را از سر گذرانید.
انسان‌های این دوران،
به صورت دسته جمعی،
حیوانات عظیم-اسب، گاو وحشی، کرگدن و حتی ماموت را شکار می کردند.



انسان‌های دوره‌ی پارینه سنگی جدید ،
فرهنگ بسیار پیشرفته‌ای نسبت به انسان‌های نئاندرتال داشتند.
تفاوت کیفی این انسان‌ها با انسان نئاندرتال ،
در مقدار حیرت‌انگیز ابزارها و جنگ افزارهای (اسلحه‌های) گوناگون
سنگی، استخوانی و شاخی این انسان‌ها و نیز در
تکامل قدرت سخنگویی و پیدایش هنر در نژاد آنان است.



شکار حیوانات،
در اواخر دوران سنگ نیز،
به عنوان اساس معیشت انسان،
همچنان ادامه پیدا کرد.
در این دوران،
انسان برخی از پستانداران و قبل از همه سگ را ،
که بعداً کمک زیادی به او کرد،
اهلی نمود.



پس از اهلی کردن حیوانات، نوبت کشت دانه‌های خوراکی فرارسید. این امر، قدم مهمی بود، در راه تکامل تولید، برای انسان‌هایی که به صورت «نظام خانوادگی»^(۱) می‌زیستند. آن‌ها پس از تسلط بر آتش و ساختن لباس، کمی از وابستگی خود به تأثیر عوامل طبیعت کاستند. در نتیجه، این انسان‌ها، در تمام قاره‌های جهان پخش شدند و زمینه برای به وجود آمدن نژادهای گوناگون فراهم گردید.

(۱) سی‌دانیم که تقریباً ۴۰ هزار سال پیش بشر به صورت گله زندگی می‌کرد، ولی در ۴۰ هزار سال پیش، گله تبدیل به «جماعت خانوادگی» گردید. «جماعت خانوادگی» گروهی انسان، از زن و مرد و کودک بود، که در نقطه‌ای زندگی می‌کردند و در عین حال که یک جامعه‌ی در بسته بودند و با هیچ جامعه‌ی دیگری رابطه نداشتند، یک خانواده بزرگ نیز بودند. این شکل زندگی که تا ۶ هزار سال پیش سراسر دنیا را در بر گرفته بود و هم اکنون هم بقایای آن در برخی قبایل وحشی وجود دارد، «نظام خانوادگی» نامیده می‌شود - مترجم.

تمام انسان‌ها از نظر نژادی دارای يك نیای مشترك‌اند.
همه‌ی نژادها از نظر خونی باهم خویشاوندند و
از نظر زیست‌شناسی باهم برابرند.
آموزش‌های نادرست مرتجعان و سیاست‌بازان درباره‌ی
نژادهای عالی و پست ،
به‌طور کلی از طرف علم انسان‌شناسی مردود شناخته شده .
اکنون دیگر
بسیاری از کشورهای مرفعی جهان تبعیضات نژادی را از میان برداشته‌اند.

